

مطالعه اجمالی تطبیق ملائکه جنگ در قرآن کریم با ایزدان جنگ در اساطیر ایران

مریم مدرسزاده

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی

درآمد

با آنکه در اندیشه ایرانیان باستان، هر آنچه زشت، تباه‌کننده، دردناک و مرگ‌آفرین است، منشأی دیوی و اهریمنی دارد، «نبرد» با همه پیامدهای آفت‌خیز خود، چهره دیوی ندارد، چرا که شیوه‌ای کارآمد برای رویارویی با اعمال تباه‌کننده اهریمن محسوب می‌شود؛ تا آنجا که دو ایزد «بهرام» و «وای» حتی در زمانی پیش از شکل‌گیری قوم واحد ایرانی به شدت مورد توجه، احترام و ستایش قوم هندواروپایی قرار می‌گیرد و پس از آن گستره خود را به اندیشه نوین ایرانیان پیش از اسلام و حتی به‌دینان امروز می‌کشاند.

از سوی دیگر، در قرآن کریم، ملائکه بدون واسطه در امور عذاب‌دنیایی و اخروی عالمیان، به فرمان الهی، دست‌اندرکارند. آنان مأموران عذاب‌های طبیعی نظیر سیل، توفان، سنگریزه و غیره هستند. با تأمل مدبرانه در آیات قرآن کریم درباره وقوع این‌گونه حوادث معلوم خواهد شد که این پدیده‌های مخرب طبیعی، بازتاب

بی‌چون و چرای اعمالِ مکذّبین و کافران معرفی شده‌اند. لیکن ملائکه به‌طور مستقیم ارسال‌کنندگان آن محسوب می‌شوند.

در این میان، ملائکه جنگ چونان ایزدان جنگ در ایران باستان به طرق گوناگون دستگیر مؤمنان در نبرد با طغیانگران و مکذّبین هستند. آنان به امر الهی، صریحاً و به‌طور مشهود به یاری مؤمنان می‌شتابند و آنان را از شکست قطعی در برابر کافران نجات می‌دهند. هم از این روست که مطالعه تطبیقی چگونگی اعمال قدرت این ملائکه با قدرت‌نمایی ایزدان جنگ می‌تواند گامی دیگر در جهت پیگیری ریشه وحی الهی در عمق اندیشه اساطیر باستانی باشد.

بهرام (وَهْرَام، وَرَثَرغَنَه)

پهلوی: *wahrām*، اوستا: *vārθθrayna* به معنای پیروزی و در اصل به معنی «کُشنده دیو وِرَثَرَه» است (بهار، ۱۳۷۵: ۷۶)؛ که آن را «درهم‌شکننده مقاومت» نیز معنا کرده‌اند (آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۴). بهرام از مهم‌ترین ایزدان زردشتی است که تجسمی از اندیشه پیروزی به‌شمار می‌آید. او از ایزدان جنگجو و مسلح‌ترین آنان است که در چهره باد، به مردم فره^(۱)، درمان و نیرو می‌بخشد. او بر دیوان پیروز می‌شود و قادر است باده چهره گوناگون تجسم یابد: باد تند، گاونر، قوچ زرین‌شاخ، اسب سپید با ساز و برگ، شتر بارکش تیزدندان که پای بر زمین‌کوبان به پیش می‌رود، گراز تیزدندانی که با یک حمله، رقیب را از پای درمی‌آورد، جوانی نیرومند به سن آرمانی پانزده سالگی، پرنده تیزپرواز که می‌تواند تجسمی از باز باشد، قوچ دشتی، بز نر و مرد دلیری که شمشیری با تیغه زرین و درخشان در دست دارد. هنگام نبرد، نخستین سپاهی که از او یاری طلبد، پیروزی را به‌دست خواهد آورد. با قربانی کردن گوسپندی یکرنگ برای او می‌توان مانع ورود دشمن به سرزمین خود شد. با این همه، چنانچه تبهکاران برای او قربانی کنند، نه تنها سودی عاید آنان نخواهد شد که همه عذاب‌ها را نیز بر خود خواهند خرید. او از نظر نیرو، نیرومندترین، از نظر پیروزی، پیروزمندترین و از نظر فره، فره‌مندترین است. بر دیوان و آدمیان بدکار و شرور غالب می‌آید و نادرستان و بدکاران را به عقوبت می‌رساند. بهرام در میان سربازان محبوبیت بسیار داشته است و احتمالاً آنان بوده‌اند که آیین ستایش و

نیایش او را به سرزمین‌های دوردست انتقال داده‌اند. (همان)

وای (ویو)

پهلوی: wāy، اوستا: vayu-vayav، به معنای «فضا» و تجسمی از آن است و نیز عنوانی است برای ایزد جنگ. همچنین تجسمی از باد باران‌زا و توفان مرگ است. «وای»، فضای میان جهان بالا و روشن متعلق به اورمزد و جهان پایین و تاریک را اشغال می‌کند. این فضا یا خلأ در ادبیات پهلوی تهیگی یا گشادگی نام دارد که مانعی بر سر آمیختگی این دو جهان به شمار می‌آید. «وای» شخصیتی دوگانه و اسرارآمیز دارد؛ نیکوکار است و شوم، پیونددهنده است و نابودکننده. اگر انسان‌ها به گونه‌ای شایسته او را خشنود سازند، یاور آنان در نبردها خواهد بود.

بسیاری براین عقیده‌اند که وای شخصیتی واحد با ویژگی‌های دوگانه بوده که در دوره‌های بعد در اندیشه ایرانیان به شخصیتی دوگانه مبدل شده است آن‌چنان که در ادبیات پهلوی جداگانه از دو وای نیک و بد سخن رفته است!

فروهر

در ایران باستان، پنج نوع نیروی مینویی برای انسان قائل بوده‌اند. فروهر یا فروشی (پهلوی: frawahr) پنجمین نیرو است. در اوستا و نیز معمولاً در متن‌های پهلوی از فروشی بدکاران سخنی به میان نیامده است؛ بلکه زنان و مردان پرهیزگار و دلاوران هستند که فروشی دارند.

این واژه ظاهراً از صورت فرضی fra-vərəθra- گرفته شده است که علت این نامگذاری را باید در وظایف دفاع عمومی برضد اهریمن و اعمال دلاورانه فروشی‌ها در دفاع از خویشان و نزدیکان دانست. از آنجا که وظایف متعددی در زمینه دفاعی، برکت‌بخشیدن و همکاری با اورمزد در نگاهداری جهان برعهده فروشی‌ها است، می‌توان پذیرفت که در مرحله‌ای بسیار کهن، اقوام ایرانی فروشی را روان نیاکان می‌انگاشتند؛ و بعدها روان و فروهر از یکدیگر جدا و دو چیز مستقل می‌شوند. (← اردای فروهر، بخش ۸، ی دوم؛ نقل از پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۷۶)

در متون پهلوی آمده است که پس از هجوم اهریمن به آسمان و پس از آنکه وی

پیروزی ایزدان و ناتوانی خویش را می‌بیند، آرزوی بازگشت می‌کند. در این هنگام مینوی آسمان مانند ارتشتاری، زره فلزین بر تن، برای مقابله با اهریمن پیمان می‌بندد. پس از آن اورمزد بارویی سخت‌تر از آسمان پیرامون آسمان می‌سازد؛ و فروهر ارتشتاران پرهیزگار و گرد را سواره و نیزه‌به‌دست، پیرامون آن بارو می‌گمارد به مانند موی بر سر و یا زندانبانانی که زندان را از بیرون پایند و دشمن را در درون محصور می‌کنند که پای بیرون نهد و یا چونان کسانی که بارویی را پاسبانی کنند. آن بارویی که آن ارتشتاران پرهیزگار بر آن می‌ایستند را آگاهی پرهیزگاران می‌خوانند. (بندش، ص ۶۰ و نیز گزیده‌های زادسپرم، ص ۱۶؛ نقل از پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۱۱۰ و ۱۲۱)

ملائکه جنگ

در آیاتی از قرآن کریم سخن از لشکریانی است که به حکم خدا به یاری جنگاوران با ایمان می‌شتابند (احزاب/۹). در تفاسیر ذیل این آیات معمولاً به نزول ملائکه به گونه‌ای نامحسوس اشاره شده است که با دادن اطمینان قلبی به لشکریان اسلام آنان را بردشمن پیروز می‌گردانند بی‌آنکه خود در نبرد شرکت کرده باشند (تفسیر نمونه، ۱۳۶۱، ذیل تفسیر سوره احزاب، آیه ۹، ص ۱۰۵ و ۱۰۶). ضمن آنکه بعضی مفسران احتمال شرکت رویاروی ایشان را در جنگ داده‌اند. (مجمع‌البیان، ج ۱۰، ص ۱۷۴)

با این حال در قرآن اشاراتی وجود دارد به فرمان صریح خدا به ملائکه مبنی بر شرکت در نبردی تن‌به‌تن با کفار:

إِذْ يُوحَىٰ رُبَّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ: أَنِّي مَعَكُمْ فَمَبِّئُوا الَّذِينَ آمَنُوا، سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَالرَّعْبُ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَغْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ. (انفال/۱۲)

آن هنگام که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما هستم؛ کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت‌قدم بدارید؛ من در دل‌های کافران ترس و وحشت خواهم افکند. ضربه‌ها را بر قسمت بالای گردن‌های آنان فرود آرید و دست و پای آنان را از کار ببندازید.

با کمی دقت شاید بتوان گفت آنچه موجب رعب و وحشت در دل‌های کافران می‌شود و آنان را به عقب‌نشینی وامی‌دارد، فرودآوردن ضربه‌های پیاپی ملائکه

بر قوای دشمن است که این خود باعث ایجاد اطمینان و آرامش در دل‌های مؤمنان می‌شود.

در آیات مرتبط با جنگ بدر^(۲)، سخن از ملائکه مسومین (آل عمران/ ۱۲۵) یا نشانگذار است (المیزان، ذیل ترجمه آیه ۱۲۵ سورة آل عمران). اینان فرد مورد نظر خود را نخست نشان و سپس اقدام می‌کنند.

از طرفی در شأن نزول آیات جنگ بدر آمده است: با دست‌به‌دعا برداشتن رسول اکرم (ص) برای پیروزی مسلمانان، باد شدیدی به سوی لشکر دشمن می‌وزد. در این هنگام، مسلمانان درحالی‌که پشت به باد دارند، به دشمن حمله می‌کنند؛ (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۹۸) و از این توفان هیچ‌گونه آسیبی به آنان نمی‌رسد.

ملاحظه می‌شود این باده‌ها شعور ویژه‌ای دارند که به واسطه آن می‌دانند به چه کسانی باید حمله کنند و چه کسانی را باید از آسیب خود ایمن دارند. در واقع، ملائکه مسومین همین باده‌ها هستند که هر یک از افراد دشمن را نشانه می‌گیرند سپس به او حمله می‌کنند. جهت وزش این باده‌ها دقیقاً روی سر، دست و پای دشمن تنظیم شده بوده است آن‌چنان‌که قدرت عمل را از آنان کاملاً سلب کرده بود. از آنچه آمد، دو احتمال می‌توان داد: یا ملائکه به هیئت باد درآمده و رویاروی دشمن قرار گرفته‌اند، یا آنکه ایشان نقش ستیزه‌گری خود را با فراخواندن باده‌ها جهت ناکار ساختن سپاه دشمن ایفا کرده‌اند.

بیاناتی از صحیفه سجادیه احتمال اول را زیر سؤال می‌برد. آنجا که امام سجاد (ع) از خداوند می‌خواهد به ملائکه‌ای درود فرستد که برف و تگرگ را مشایعت می‌کنند و با دانه‌های باران هنگام نزول فرود می‌آیند (صحیفه سجادیه، نقل از المیزان، ج ۱۷، ص ۱۲).

در پایان شاید بتوان نتیجه گرفت ملائکه بی‌آنکه به هیئت یک پدیده طبیعی، چه از نوع حیات‌بخش و چه ویرانگر آن درآیند، موکل برآن هستند و از همین طریق ملائکه جنگ با دشمنان خدا نبرد و رسالت خود را ایفا می‌کنند.

ملائکة موکل بر پرندگان جنگنده

در نبرد با ابرهه - فرمانروای یمنی - که قصد ویرانی کعبه را با گسیل داشتن سپاهی عظیم و سوار بر فیل دارد، ملائکة جنگ رسالت خود را با ارسال خیل عظیمی از پرندگان به انجام می‌رسانند. مشهور است این پرندگان به هیئت پرستو و چلچله از سوی دریای احمر برخاسته بوده‌اند. در روایات هست که هر یک از ایشان سه سنگریزه به اندازه نخود و یا کوچک‌تر داشتند که یکی را با منقار و دو تا را با پا حمل می‌کردند و با آن بر سر اصحاب فیل می‌کوفتند؛ که بر اثر آن، سپاه ابرهه متلاشی و چون کاه خُرد و پراکنده شد. (- کُل سورة فیل؛ نیز تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۳۷)

ملائکة محافظ آسمان

شاید بتوان به این گروه از ملائکة جنگ، ملائکة محافظ آسمان را نیز افزود. ایشان مأمور ارسال شهاب‌های ثاقب به سوی شیاطینی هستند که برای استراق‌سمع به مرز میان آسمان دنیا و آسمان بالا و ملاً اعلیٰ نزدیک می‌شوند (صافات/۱۰-۷). این شهاب‌ها، سنگ‌های آسمانی هستند که بیرون از کره زمین در حرکت‌اند و هنگام برخورد با جو زمین، داغ و آتشین می‌شوند (- تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۱۱۲).

قرآن مجید آنها را «شهاب رّصد» (به معنی «تیرهای نشانه‌روی شده») می‌نامد که به محض نزدیک شدن شیاطین به مرز آسمان به سوی ایشان پرتاب می‌شوند و آنان را می‌سوزانند.

با توجه به آنچه آمد، می‌توان به تطبیق ایزدان جنگ و ملائکة جنگ در قرآن کریم پرداخت. همان‌گونه که ذکر شد، در چندین مورد در قرآن به حضور ملائکه در نبرد میان مؤمنین و کفار و شرکت آنان در نبرد رویاروی با افراد دشمن اشاره شده است و اینکه چگونه به فرمان الهی مأمور وزش توفان و باد سخت بر افراد دشمن و راندن آنها از صحنه نبرد هستند. ضمن آنکه اینان بر وزش بادهای حیات‌بخش نیز به‌طور معمول رسالت دارند (اعراف/۴، فرقان/۴۸، نحل/۶۳؛ نیز صحیفة سجادیه - نقل از المیزان، ج ۱۷، ص ۱۲). چنان‌که عنوان شد، در اساطیر ایرانی نیز ایزد «وای» که گاهی او را با ایزد باد یکی فرض می‌کنند (آموزگار، ۳۲:۱۳۷۴) جنگجویی است که به آنها که برای او درست قربانی کنند، پیروزی می‌دهد؛ ضمن آنکه شخصیتی تباه‌کننده و مرگ‌آور

مطالعه اجمالی تطبیق ملائکه جنگ در قرآن کریم با ایزدان جنگ در اساطیر ایران ۹۹

دارد (در ادبیات پهلوی، وای بد، از بدترین دیوان مرگ است (بهار، ۱۳۷۵: ۹۰، یادداشت ۱۰)؛ همچنین ایزد بهرام که با جلوه بادگونه خویش بر دیوان و آدمیان کژور غالب می آید و بدکاران را به عقوبت گرفتار می سازد و به نخستین سپاهی که از او یاری طلبد، پیروزی می بخشد که در این میان تبهکاران مستثنی خواهند بود (همان، ص ۷۹؛ نیز - آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۵). در قرآن کریم نیز علاوه بر ملائکه موکل بر باد که نقش جنگندگی در نبردها را به عهده می گیرند، به خیل عظیم پرندگان هجوم برنده به سپاه ابرهه اشاره می شود (که قول مشهور آنان را به هیئت پرستو و چلچله می شناسد) که با سنگریزه هایی به اندازه نخود بر منقار و پا، اصحاب فیل را چون کاه خرد شده از میان می برند.

از سوی دیگر، در اسطوره زندگی زردشت، سخن از خورده شدن تن مرده کربی (۳) به وسیله هفت پرنده روشن چشم است که به دلیل ادعای خدایی و خودپسندی ناشی از دارایی و اموال، اورمزد آنان را به چنین عقابی گرفتار می کند (- آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۹۰-۸۹).

موکل بودن ملائکه بر پرندگانی چون پرستو و چلچله و نقش جنگندگی آنها، علاوه بر تطبیق با موارد بالا، قابل انطباق با یکی دیگر از نمادهای جنگندگی ایزد بهرام - یعنی پرنده تیزپرواز، یا به قولی باز شکاری - است که در ایران باستان، نمادی از نیرومندی محسوب می شده است. (آموزگار، ۱۳۷۴: ۲۵)

در مطالب پیشین، به دسته ای دیگر از نیروهای جنگنده در قرآن کریم اشاره شد: شهاب های ثاقب که وظیفه نگهبانی از آسمان ها را به عهده دارند. آنها رسالت دارند که مانع از نزدیک شدن شیاطین به مرز آسمان و ملأ اعلی شوند؛ آن چنان که با نزدیک شدن به منطقه ممنوع، شهاب ها به سوی آنان حمله ور می شوند و آنان را می سوزانند. (- ص ۹۸ همین مقاله)

در ادبیات پهلوی، tērag یا شهاب از اباختران (سیارات) و سپاه اهریمن هستند. شهاب، دیوی است که بدکرداری و پیری می آورد و با دیدن آن بینایی چشم از بین می رود (بهار، ۱۳۷۵: ۱۰۲). با این همه، در این مقاله به نقش فروهرها در حفاظت و پاسداری از آسمان اشاره شد. اینان، چون سواران نیزه به دست، خارج از آسمان قرار می گیرند و مینوی آسمان را در نگهبانی و درینکردن اهریمن و دیوان یاری

می‌رسانند؛ چونان ارتشتاران‌ی که زره فلزین بر تن و از باروی آسمان پاسبانی می‌کنند و مانع از خروج اهریمن و بازگشت او می‌شوند (ص ۹۶ همین مقاله).

این در حالی است که در روایات اسلامی، روح، لشکری از سپاهیان الهی است که جدای از ملائکه مطرح می‌شود. آنها سر، دست و پا دارند (مانند فروهرها^(۴)) و مقامی رفیع‌تر از ملائکه مقرب، و حتی جبرئیل که همراه رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و امامان معصوم است. (تفسیر نمونه، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۵۸)

از آنجا که ملائکه چون فروهرها جنود و لشکر الهی هستند، از این طریق با اینها قابل بررسی هستند. با این‌همه، نقش حفاظتی ملائکه از آسمان به‌طور مشخص بیان نشده است؛ گاهی حمل عرش الهی و موجودات ملکوتی که گرداگرد عرش حلقه زده‌اند را به افرادی بالاتر و برتر از ملائکه نسبت داده‌اند؛ که برطبق تعدادی از احادیث، هشت تن از انبیا و اولیای الهی هستند، که در اینجا می‌تواند منظور ارواح اولیا و انبیای الهی باشد. (همان)

بنابراین، فروهرها را که زمانی اقوام ایرانی به آنها به‌عنوان روان نیکان و پارسایان می‌نگریسته‌اند، در اینجا می‌توان با روح که نقش حفاظتی نیز برعهده دارد، بررسی کرد.

این در حالی است که روح خدا گاه به شکل مردی تمثیل می‌یابد آن‌گونه که بر حضرت مریم (س) ظاهر می‌شود و او را به عیسی مسیح باردار می‌سازد. در این مورد در تفاسیر از روح به جبرئیل تعبیر می‌شود (ص ۱۳، ج ۳۶)؛ و با توجه به اینکه روح در روایات اسلامی دست، پا و همین‌طور سر دارد (مانند فروهرها) و می‌تواند حامل عرش الهی با دوش‌های ستبر باشد (همان)، بنابراین میان این روح و روح ظاهر شده بر مریم (س) به جلوه مرد، می‌توان ارتباطی قائل شد و از همین سو درباره فروهرها نیز مطالعه کرد.

نتیجه

در هر دو آیین زردشت و اسلام، نیروهای ملکوتی و مینویی هستند که انسان‌ها و همین‌طور جهان هستی را در برابر شرور، شیاطین و اهریمنان محافظت می‌کنند و نیز یاریگر انسان‌ها در نبرد با بدکرداران و نیروهای دیوی هستند. این نیروها، چه از

مطالعه اجمالی تطبیق ملائکه جنگ در قرآن کریم با ایزدان جنگ در اساطیر ایران ۱۰۱

نظر وظیفه و چه از نظر شکل عملکرد، از جهاتی با یکدیگر قابل مقایسه هستند. در آیین اسلام، ملائکه، به فرمان الهی، موکل بر پرندگان هجوم برنده بر سپاه ابرهه است؛ همچنین بادهای هلاک‌کننده و حمله برنده بر کفار در جنگ بدر. از سوی دیگر، شهاب‌های ثاقب، وظیفه نگهبانی و حفاظت از آسمان را برعهده دارند و روح نیز لشکری از سپاهیان الهی است که سر، دست و پا دارد و همراه رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) است.

در آیین زردشت با اینکه اساساً هر امر مرگبار و هلاک‌کننده با اهریمن در ارتباط است، آنجا که سخن از براندازی نیروهای اهریمنی است، با ایزدان جنگ روبه‌رو می‌شویم؛ چونان بهرام که یاریگر سپاهیان در نبرد با اهریمنان است و همین‌طور وای که خود ایزد جنگ است. فروهرها نیز نقش حفاظت از مینوی آسمان را برعهده دارند و مانع خروج اهریمن از گودال آسمان هستند. اینان همچنین زمانی در اندیشه ایرانیان روان نیکان و پارسایان تصور می‌شده‌اند.

و در پایان می‌توان از هجوم هفت پرنده روشن چشم برکربی که ادعای خدایی و خودپسندی می‌کرد، یاد کرد و نقش این پرندگان را به عنوان نیروهای جنگنده در برابر نیروهای اهریمنی متذکر شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. پهلوی: xvarrah، اوستایی: avaranah، فارسی میانه مانوی: farrah به معنای سعادت، شکوه و درخشش است. در ادبیات اوستایی و پهلوی، فَرّه با برکت، اقبال و خواسته مربوط است؛ و در واقع، رسیدن به برکت، اقبال و خواسته وابسته به داشتن فَرّه است. اما فَرّه با خویشکاری به دست می‌آید. اگر هر کس، هر طبقه، هر قوم، خویشکاری ورزد، یعنی به وظایف خویش و وظایف طبقه و قوم خود عمل کند، فرهمند می‌شود و به سعادت و خواسته می‌رسد (پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۱۵۶، یادداشت ۲).

۲. از جنگ‌های مسلمین با کفار که در سال اول هجرت روی داد.

۳. کَرَب‌ها و گوی‌ها، روحانیان و فرمانروایان جامعه زردشت هستند که با به دنیا آمدن و برانگیختگی زردشت به پیامبری مخالفت در برابر عقاید او را آغاز می‌کنند. (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۳۳، یادداشت ۱).

۴. در اسطوره زندگی زردشت آمده است که فروهر سری گرد، دهان و زبانی سخنگو دارد.

(- آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۷۲)

کتابنامه

- آموزگار، ژاله. ارداویراف‌نامه. ۱۳۷۲ ش. تهران: معین و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- _____ . تاریخ اساطیری ایران. ۱۳۷۴ ش. تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. ۱۳۷۵ ش. اسطوره زندگی زردشت. تهران: چشمه، بابل: آویشن. بهار، مهرداد. ۱۳۷۵. پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: طوس.
- تفسیر نمونه. ۱۳۶۶-۱۳۵۳. زیر نظر ناصر مکارم شیرازی. ۲۷ جلدی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- شیخ ابوعلی فضل‌بن حسن. مجمع‌البیان. ۵ جلدی. تهران: فراهانی.
- قرآن کریم، با ترجمه محیی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- المیزان فی تفسیر القرآن‌الکریم. ۱۳۶۳ ش. ترجمه علامه محمدحسین طباطبایی. ۴ جلد در ۲ مجلد، تهران: بنیاد فکری علامه طباطبایی.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی